

## رابطه امام خامنه‌ای با هنر ادبیات

□ محمد هاشم حسینی \*

### چکیده

ادب، علمی است که بدان شخص خود را از خلل در کلام نگاه می‌دارد و نیز علمی که با تسلط بر آن شخص می‌تواند شعر بگوید و خوب بنویسد و سخن درست و نا درست و خوب بد را بشناسد.<sup>۱</sup> دکتر عبدالحسین زرین کوب در تعریف ادبیات می‌نویسد: " بطور کلی ادبیات آنگونه سخنانی است که از حد سخنان عادی برتر و والاتر بوده و مردم آن سخنان را درخور ضبط و نقل دانسته‌اند و از شنیدن آنها دگرگون گشته‌اند و احساس غم و شادی یا لذت و الم کرده‌اند."<sup>۲</sup> بشر از همان ابتدای زندگی و دستیابی او به زبان و خط از ادبیات به عنوان وسیله‌ای برای بروز احساسات و عواطف درونی و انتقال آن به دیگران بهره برده است، نقاشی‌هایی که بر دیوارهای غارها از انسان‌های باستان و ما قبل تاریخ باقی مانده است این حقیقت را آشکار می‌سازد که انسان نسبت به روایت رویدادها، و بیان عواطف و احساسات و به تصویر کشیدن تصورات و حالات درونی خویش علاقه داشته است و این کار آنان می‌شود نوعی ادبیات تلقی کرد. ادبیات از این نظر اهمیت دارد که می‌شود آن را جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ و روحیات یک ملت دانست و انسان‌ها در گذر زمان از آن به عنوان وسیله‌ای برتر و مؤثرتر در راستای انتقال پیام، احساسات و عواطف، اندیشه‌ها، خواسته‌ها و آرمان‌های خویش بهره برده است و ادیبان نقشی مهمی در تلطیف احساسات، پرورش ذوق و ماندگاری اندیشه‌ها دارد و ملتی که سهمی از ادبیات ندارند، تمدن هم نخواهند داشت. کلید واژگان: رابطه، امام خامنه‌ای، هنر، ادبیات.

۱ فارغ التحصیل سطح ۴ حوزه علمیه و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی جامعه المصطفی العالمیه  
۲ فرهنگ فارسی عمید.

۳ نقد ادبی، عبدالحسین زرین کوب، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۱.

## رابطه‌ای امام خامنه‌ای با ادبیات

در جهان امروز اگر تعداد سخنوران بلیغ پنج نفر باشند؛ قطعاً یکی از آنان و بهترین‌شان امام خامنه‌ای خواهد بود، در این زمینه کتابی از نویسنده تحت عنوان اسلوب‌های بلاغت در کلام امام‌خانه‌ای، نگاشته شده که امور نشر بین‌الملل جامعه المصطفی‌العالمیه آن را به زیور طبع آراسته گردانیده است و دوستان داران این عرصه جهت آشنایی بیشتر سزاوار است به آن مراجعه کنند.

اگر گفته شود امام خامنه‌ای، با شعر و ادبیات از همان دوران طفولیت آشنا شد، حرف‌گرافی نیست، وی در دامان بزرگ بانویی پرورش یافت که هنگامی ورود به خانه شوهر (آیت‌الله سید جواد حسینی) دیوان حافظ جزئی از جهیزیه‌ای بوده که با خود از خانه پدر (آیت‌الله سید هاشم نجف‌آبادی) آورده بود و خود نیز دارای ذوق شعری و هنری بوده است، این مادر از همان آغاز طفولیت فرزندش را توأم با نغمه دل‌نشین آیات قرآن و زمزمه‌ی اشعار ناب و با محتوای عرفانی، شیر داد و بذر آیات وحی و هنر شعر را که یکی از موهبت‌های الهی است در نهاد این کودک کاشت و پرورش داد به گونه‌ی که هرگز فراموش نشود.

معظم له، پس از گذشت سال‌ها در مورد مادرش چنین می‌گوید: «مادرم خانمی بود بسیار فهمیده، باسواد، کتاب‌خوان، دارای ذوق شعری و هنری و حافظ شناس؛ البته نه به معنای علمی، بلکه به معنای مأنوس بودن با دیوان حافظ با قرآن کاملاً آشنا بود... بعضی از شعرهای حافظ، که هنوز یادم هست، از شعرهایی است که آن وقت از مادرم شنیدم، از جمله، این یک بیت، که یادم است:

سحر چون خسرو خاور علم در کوهساران زد      به دست مرحمت یارم در امیدواران زد»<sup>۱</sup>.

## امام خامنه‌ای و دنیای شگفت‌زمان

ورود امام خامنه‌ای، در عرصه ادبیات به گونه‌ی تأثیرگذار و شروع شکل‌گیری شخصیت ادبی ایشان، همزمان است با آغاز دروس حوزوی ایشان؛ زمانی که برای تکمیل اطلاعات درسی به کتابخانه آستان قدس رضوی مراجعه می‌کرد آنجا با کتاب‌های رمان روبرو شد که نسبت به آنچه که در خانه پدری یا حوزه دیده و یا خوانده بود کاملاً متفاوت به نظر می‌رسید، در این کتاب‌ها دنیا را به صورت رنگی و زنده در مقابل خود مشاهده می‌کرد و می‌دید آدم‌ها با افکار و خواست‌های متفاوت از پیر و جوان، زن و مرد همه و همه در این کتاب‌ها چگونه در حرکت‌اند و باهم زندگی می‌کنند، در این

<sup>۱</sup> گفت و شنود امام خامنه‌ای با نو جوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴

کتاب‌ها شاهد موفقیت و ناکامی‌ها، خوشی‌ها و رنج‌های انسان‌هایی بود که در دنیایی غیر از آنچه که او در آن زندگی می‌کرد قرار داشتند و با باورها و فرهنگ‌های متفاوت. عبارت‌ها و خطوط را دید که همه به صورت زنده در جوش و خروش‌اند تا روزها و ماه‌ها، فصل‌ها و سال‌ها را به صورت عادی جلوه دهند که چگونه سپری می‌شود و بهار زیباست و تابستان گرم، پاییز هزار رنگ و زمستان سرد<sup>۱</sup>.

در این کتاب‌ها می‌دید که کودکان چگونه بزرگ می‌شوند و جوانان پیر و پیران از این جهان رخت برمی‌بندند. وی اوقات فراغت را با خواندن این کتاب‌ها در کتابخانه آستان قدس رضوی پر می‌کرد و در ابتدا هر رمانی که به دستش می‌رسید با اشتیاق آن را می‌خواند و هدفی جز پر کردن اوقات فراغت و لذت بردن از جذبه‌های داستان‌پردازی آن نداشت؛ ولی پس از مدتی این کار هدف‌دار می‌شود و شکل هدفمندانه‌ای به خود می‌گیرد به گونه‌ای که او در رمان‌های بزرگ در جستجوی شناختی متفاوت از آدم‌ها و آشنایی با فرهنگ و تمدن سرزمین‌هایی است که داستانها در آنها شکل گرفته. پس از این کتابخانه آستان قدس، دیگر کفاف اشتیاق او را نمی‌کند و از طرفی توانایی خرید کتاب‌هایی مورد علاقه‌اش را نداشت؛ «لذا تصمیم گرفت از کتابفروشی محل، رمان‌های جدید را از قرار شبی یک ریال کرایه کند و برای این که کتاب امانی به شب دوم نکشد و یک ریال دیگر نپردازد، با هر سرعتی بود آن را به اتمام می‌رساند.<sup>۲</sup>»

بیشتر، رمان‌هایی مورد توجه قرار می‌گرفت که زمینه تاریخی داشت و تاریخ بعضی از کشورها را از طریق رمان شناخت و بدین جهت است که فرمودند: «هیچ بیانی نمی‌تواند تاریخ را مثل داستان و قصه بیان کند. وقتی در باره تاریخ به زبان غیر هنری حرف می‌زنیم، مثل این است که از فاصله ده هزار پایی زمین، از شهری عکس بر می‌داریم. طبیعتاً ابعاد شهر و خیابانهای اصلی شهر هم پیدا است، اما در آنجا آدم‌ها چه کار می‌کنند؟ خوبند؟ بدند؟ فقیرند؟ غنی‌اند؟ راحتند؟ خوابند؟ دعوا می‌کنند؟ می‌رقصند؟ اصلاً هیچ چیزی معلوم نیست. تاریخ از آن بالا از ده هزار پایی شهری را عکسبرداری می‌کند و به ما نشان می‌دهد. یک وقت هست شما وارد شهری می‌شوید. البته همه کوچه‌های شهر را نمی‌توانید ببینید؛ اما دو، سه کوچه شهر یا خیابان شهر را می‌روید. با افرادش حرف می‌زنید و از خانه‌ها عکس بر می‌دارید از اتاقها، از اسباب بازی بچه‌ها، از بوسیدن یک فرزند توسط مادرش... همه این‌ها را ترسیم می‌کنید و در یک عکس جلو ما می‌گذارید. البته یک کوچه است، یک خیابان است، همه

<sup>۱</sup> مومنی شریف، محسن، مقاله، منبع اصلی: (جزوه "مطالعه و کتابخوانی از نگاه مقام معظم رهبری"، حوزه هنری  
<sup>۲</sup> همان.

شهر نیست، اما می‌شود آن را تعمیم داد... این زبان هنر از تاریخ است؛ قصه این است (۱).»

در میان رمان‌هایی که می‌خواند گاهی بعضی‌هاشان را بیشتر می‌پسندید و در مواردی به بیان زیبایی‌های آنها پرداخته و از محاسن آن یاد کرده است و به جوانان توصیه نموده که آن را بخوانند؛ مانند بینوایان و ویکتور هوگو: «به نظر من بینوایان و ویکتور هوگو برترین رمانی است که در طول تاریخ نوشته شده است. من همه رمانهای طول تاریخ را نخوانده‌ام، شکی در این نیست. اما من مقدار زیادی رمان خوانده‌ام - که مربوط به حوادث قرنهای گوناگون هم هست، بعضی رمانهای خیلی قدیمی را هم خوانده‌ام. مثلاً فرض کنید کمدی الهی را خوانده‌ام. امیرارسلان هم خوانده‌ام. الف لیله و هزار و یکشب را هم خوانده‌ام - وقتی نگاه می‌کنم به این رمانی که ویکتور هوگو نوشته، می‌بینم این چیزی است که اصلاً امکان ندارد هیچ کس بتواند بهتر از این بنویسد یا نوشته باشد و معروف نباشد و مثل منی که در عالم رمان بوده‌ام این را ندیده باشم یا اسمش را نشنیده باشم... من می‌گویم بینوایان یک معجزه است در عالم رمان‌نویسی، در عالم کتاب‌نویسی. واقعاً یک معجزه است... من به همه جوان‌ها توصیه می‌کنم - نه حالا که دارم با شما صحبت می‌کنم - بارها این را گفته‌ام، زمانی که جوان‌ها زیاد دوروبر من می‌آمدند قبل از انقلاب بارها این را گفته‌ام که بروید یک دور حتماً بینوایان را بخوانید. این بینوایان کتاب جامعه‌شناسی است. کتاب تاریخی است. کتاب انتقادی است. کتاب الهی است. کتاب محبت و عاطفه و عشق است (۲).»

البته این ارتباط و پیوند ایشان با دنیای رمان تا زمانی با سرعت و پر رنگ است که دروس حوزوی مقداری سبک‌تر بوده است و معمولاً پس از انجام تکالیف درسی، اوقات فراغت زیادی برایش باقی می‌مانده که آن را با خواندن رمان پر می‌کرده؛ اما با جدی‌تر شدن دروس حوزه از سرعت رمان خوانی کاسته شده ولی هرگز ارتباطش با دنیای رمان قطع نگردیده است. جناب مؤمنی شریف، در این مورد می‌گویند: امروز هم رهبر انقلاب در کنار همه‌ای کارهای بزرگ و حساس‌شان در اوقات فراغت از مطالعه رمان‌های قابل اعتناء دریغ نمی‌کنند. خصوصاً رمان‌هایی که با مضامین انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نوشته شده باشند، مورد توجه ایشان است.

در ادامه توصیه‌ای را از زبان ایشان در مورد رمان نقل می‌کنند: «خواندن رمان به صورت کنترل شده چیز بسیار خوبی است البته رمان مثل آبی که در خاک نرم نفوذ می‌کند و همه جا را می‌گیرد وقت را پر خواهد کرد. به شدت باید با این حالت مبارزه بشود. خواندن رمان به صورت کنترل شده. کنترل

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> همان و مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

که می‌گویم به دو معنی است. یکی اینکه چه رمانی را بخوانیم، دیگر اینکه چقدر بخوانیم. چون همه رمانها را نباید خواند. بعضی از رمانها صرفاً خیال‌پردازی است و هیچ چیزی در آن نیست. هیچ پیامی ندارد. این‌ها را اصلاً نباید خواند. البته من این‌ها را خوانده‌ام، چون هیچ کس نبوده که به من بگوید چه چیزی بخوان چه چیزی نخوان. من خودم یک زمانی به رمان رسیدم و یک زمانی هم آن را قطع کردم. بنا بر این من این اشتباه را کردم که همه جور رمانهایی را خوانده‌ام؛ بنابراین، آن رمانی که پیامی دارد باید خواند. رمانهایی هست که پیام‌های تاریخی دارد. یعنی آموزشهای تاریخی فراوان در آن است و تصویرهای دقیق و ریزی در آن از یک بخشی از وقایع تاریخی وجود دارد.<sup>۱</sup>»

### امام خامنه‌ای و دنیای شعر

فطرت انسان چنین است که زیبایی دوست و زیبایی خواه باشد، آدمی همواره طالب و مفتون زیبایی بوده است؛ چون خالق و معبودش زیباست و زیبایی را دوست دارد، «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ.<sup>۲</sup>» انسان این خصلت را از او به یادگار دارد و قطعاً راز ماندگاری، رشد و بالندگی هنر و آثار هنری در هر عصر و زمانی نیز همین خواهد بود.

یکی از شاخه‌های بسیار پرثمر و مهم وادی هنر، شعر و ادبیات است. شعر و ادبیات همواره به عنوان غذای روح و چاشنی زندگی نزد اقوام و ملل جهان مطرح بوده و مردم از دیر زمان با آن انس داشته و هم اکنون نیز در هر کنار و گوشه‌ی این کره‌ی خاکی با آن زندگی می‌کنند، اگر گفته شود شعر دوستی و علاقه به شعر جزء غرایز بشر است شاید چندان حرف گزافی نباشد و در روایات داریم اولین کسی که شعر سروده حضرت آدم (ع) بوده است. روایتی از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) چنین نقل شده است: «عبدالله بن احمد طائی از پدرش و او از امام رضا (ع) و او از پدرانش از حسین بن علی بن ابی طالب (ع) نقل می‌کند که فرمود: علی بن ابی طالب در مسجد کوفه بود، مردی از اهل شام برخاست و گفت: یا امیر المؤمنین از تو راجع به چند چیز سؤال می‌کنم، فرمود: برای فهمیدن پرس و برای ستیزه‌جویی پرس، او از چند چیز پرسید و از جمله آنها این بود که پرسید: به من خبر بده که نخستین

<sup>۱</sup> مومنی شریف، محسن، مقاله، منبع اصلی: (جزوه "مطالعه و کتابخوانی از نگاه مقام معظم رهبری"، حوزه هنری).

<sup>۲</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ق. ۱۴۲۹. ج ۱۳: ص ۷. روایت از امیر المؤمنین علی (ع)

کسی که شعر گفت چه کسی بود؟ فرمود: آدم، گفت: از جمله شعرهای او کدام است؟ فرمود: وقتی از آسمان به زمین فرود آمد و خاک و گستردگی آن را دید و قابیل، هابیل را کشت آدم چنین سرود: آبادی‌ها و هر کس که در آن است تغییر یافت، پس روی زمین تیره و زشت شد، هر صاحب رنگ و طعمی تغییر یافت و شادابی صورت نمکین کم شد...<sup>۱</sup>»

### جایگاه و اهمیت شعر در نگاه امام خامنه‌ای

معظم‌له در مورد اهمیت و جایگاه شعر می‌فرماید: «شکی نیست که شعر یک ثروت ملی است. اگر کسی در این تردید بکند، در یکی از بدیهی‌ترین مسائل تردید کرده. شعر یک ثروت برای هر کشور است؛ یک ثروت بزرگ و پرثمری است. اولاً باید این ثروت را ایجاد کرد، ثانیاً باید این را روز به روز افزایش داد که دچار خسران و کم آمدن و کاهش نشود؛ ثالثاً باید از آن برای نیازهای کشور استفاده‌ی بهتر و برتر کرد.<sup>۲</sup>»

نکته: شعر در میان علما و حوزه‌های علمیه، همواره یک موضوع با اهمیت و قابل توجه بوده است و بسیاری از علما خصوصاً علمای عرفان، حالات و هیجانات درونی، شور و شوریدگی روحانی‌شان را غالباً با زبان شعر بیان کرده‌اند و عده‌ی عقیده دارند اینکه ادراکات درونی و روحانی یک عارف سالک، اصلاً امکان ندارد با زبان معمولی بیان شود و فقط زبان شعر است که از باب تقریب می‌تواند گوشه‌ای از آن را به نمایش بگذارد و قابل فهم کند؛ از این روی بیشتر بزرگان ما با شعر آشنا بودند و حتی خود نیز شعر گفته‌اند؛ به عنوان نمونه، ملاهادی سبزواری که درخشان‌ترین چهره حکمت متعالیه در قرن سیزدهم هجری است و کتاب معروف «منظومه» را او نوشته است، استاد شهید مرتضی مطهری، در موردش می‌گوید: «حاجی سبزواری صاحب کتاب منظومه که حکیم و فیلسوف و عارف فوق‌العاده متقی و با حالی است؛ گرچه شهرتش به علمش است ولی مقام عملش بالاتر است.<sup>۳</sup>»

همین سبزواری با موضوع شعر کاملاً آشنا بوده و بخشی از وقت خود را به مطالعه دواوین شعر می‌گذرانیده و خود نیز بعضی حالات و ادراکات عرفانی‌اش را در قالب شعر عرضه کرده است و گاهی هم از بعضی اشعار دیگر شاعران چنان خوشش آمده که از آن استقبال کرده‌اند؛ یعنی تحت تأثیر آن شعر، در همان مضمون و سیاق شعر سروده است؛ به عنوان نمونه یکی از غزل‌های بسیار نغز و عرفانی

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال / ترجمه جعفری - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۲ش. ج ۱؛ ص ۳۰۳

<sup>۲</sup> سخنرانی به مناسبت شب شعر، در جمع شاعران، چهاردهم رمضان ۱۴۲۹. برابر با ۱۴ شهریور ۱۳۸۸.

<sup>۳</sup> مطهری، مرتضی، طهارت روح، ص ۳۷.

خواجه لسان‌الغیب حافظ شیرازی را خوانده و در استقبال آن خود شعر گفته است:  
حافظ:

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست      ممت خاکِ درت بر بصری نیست که نیست  
ناظرِ روی تو صاحب‌نظران اند آری      سیرِ گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست...<sup>۱</sup>  
سبزواری، در استقبال این غزل حافظ غزلی را سروده که بسیار زیبا و خواندنی است:  
شورش عشق تو در هیچ سری نیست که نیست      منظرِ روی تو زیبِ نظری نیست که نیست  
نیست یک مرغِ دلی، کِش نفکندی به قفس      تیر بیدادِ تو تا پر به پری نیست که نیست  
نه همین از غم او سینه ما صد چاک است      داغ او لاله صفت بر جگری نیست که نیست  
موسی نیست که دعوی «انا الحق» شنود      ورنه این زمزمه اندر شجری نیست که نیست  
چشم ما دیده خفّاش بُود ورنه تو را      پرتو حُسن به دیوار و دری نیست که نیست  
گوش اسرار شنو نیست و گر نه اسرار      برش از عالم معنا خبری نیست که نیست<sup>۲</sup>  
امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه) شعر می‌خواندند و خود نیز شعر سروده و حالات روحانی، ادراکات عرفانی‌اش را بعضاً با زبان شعر بیان کرده است.

با این حال، امام خامنه‌ای نیز که خود دارای ذوق سلیم و برخوردار از لطف طبع بود و نکته‌های لطیف را با تیزهوشی در می‌یافت، در بحر شعر خاصه شعر کهن فارسی (که مشحون از معارف اسلامی است) چنان غوطه‌ور شد که شبی نبود او با شعری از حافظ سر بر بالین نگذارد. در دفترچه‌ای که داشت غزلیات ممتاز و حتی تک بیت‌های درخشان را برای خود نگه می‌داشت.<sup>۳</sup> تا جایی که خود فرموده است: «تا مدتی، من هر شب قبل از خواب، مقداری از دیوان حافظ را مطالعه می‌کردم».<sup>۴</sup>

### آشنایی امام خامنه‌ای با شاعران

شوق و علاقه ایشان نسبت به شعر و ادبیات سبب می‌گردد که با بعضی از شاعران صاحب‌نام آشنا شود و در جلسات نقد و بررسی شعر از نزدیک شرکت کند و پس از آن شوق و علاقه‌ای که نسبت به شعر داشت حالت تخصصی‌تری به خود می‌گیرد.

<sup>۱</sup> دیوان حافظ.

<sup>۲</sup> حکیم سبزواری، دیوان اشعار، غزلیات، غزل شماره ۴۲.

<sup>۳</sup> مومنی شریف، محسن، نقل از مقاله. با کمی اصلاح.

<sup>۴</sup> همان.

بعضی از مجالس شعر که امام خامنه‌ای در آن شرکت کرده است عبارت‌اند از: انجمن ادبی فردوسی به گفته مؤمنی شریف، جلسات این انجمن در هفته یک شب، در منزل عبدالعلی نگارنده، برگزار می‌شد و در ادامه می‌گوید: شاعران این انجمن (فردوسی) عمدتاً تحت تأثیر صائب تبریزی بودند و اشعار شاعران مکتب عراقی (سبک رایج روزگار) برایشان حلاوتی نداشت. سید علی آقا (امام خامنه‌ای) نیز تحت تأثیر مضمون پردازی‌ها و نازک اندیشی‌های سبک هندی قرار گرفت و از آن حظ بیشتری برد. همین شیفتگی موجب شد، امیری فیروزکوهی، بزرگ‌ترین شاعر این سبک در ایران را در تهران، پیدا کند و دوستی دیرپایی بینشان صورت یابد. مؤمنی ادامه می‌دهد: امیری فیروزکوهی، همیشه از هوش آقای خامنه‌ای دریافت پیچیدگی و ظرایف و طرائف شعر - خاصه شعر سبک هندی - با تحسین توأم با حیرت یاد می‌کرد و بارها به غلامرضا قدسی گفته بود: ایشان بزرگ‌ترین شعرشناس ایران است.<sup>۱</sup>

امام خامنه‌ای، به جهت استعداد فوق‌العاده‌ی که خداوند به او داده در هر عرصه‌ای که وارد شد به بهترین شکل ممکن از عهده کار برآمد و در کم‌ترین زمان خود استاد و صاحب‌نظر شد و در انجمن فردوسی نیز همین طور بود که پس از مدتی همه با دید احترام و در قامت یک استاد در زمینه شعر به او می‌نگرستند، معظم له، در گفتگویی با جمع از نویسندگان فرموده‌اند: «در آن جلسه ادبی مشهد که اشعار، نقد و بررسی می‌شد، گمان نمی‌کنم که من نظری داده باشم، و مقبول واقع نشده باشد. در مورد اشکال مضمونی شعرها و عیوب زبانی آنها، من، غالباً اظهار نظر می‌کردم.»<sup>۲</sup>

انجمن دیگری که امام خامنه‌ای، در آن شرکت کرده‌اند، (انجمن فرخ) است. جلسات این انجمن ظاهراً در منزل سید محمود فرخ برگزار می‌شده، و در آن استادان ادبیات و تاریخ دانشگاه مشهد، مانند دکتر علی‌اکبر فیاض، غلامحسین یوسفی، دکتر رجایی خراسانی و... شرکت می‌کرده‌اند. امام خامنه‌ای در این مورد فرموده است: «تالار پذیرایی او (مرحوم فرخ)، کتابخانه‌اش بود؛ کتابخانه‌ای بسیار نفیس و چشم‌نواز، که واقعاً امثال من، که به کتاب علاقه داریم، وارد آن که می‌شدیم، دلمان از لذت پرواز می‌کرد. یک تالار بزرگ، به شکل (L) و تمام قفسه‌های اطراف، پُر از کتاب. شاید پنج- شش هزار

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> همان.



جلد کتاب با ارزش، در تاریخ، ادبیات، و رشته‌های دیگر داشت. در همین زمینه ادبیات، هر کتابی را که آدم به نظرش می‌رسید که کتاب خوبی است، داشت.<sup>۱</sup>»

نکته: با مطالعه‌ی میزان علاقه‌مندی و ارتباط امام خامنه‌ای، با ادبیات، شعر و کتاب‌های رمان چنین به نظر می‌رسد که ایشان در بخشی از دوران زندگی تمام توجه، وقت و نیروی خود را صرف خواندن رمان، شعر و کتب ادبی کرده باشد؛ درحالی‌که این طور نیست، معظم له نه تنها در هفده سالگی سطوح عالی حوزه را به پایان برده بود که حقیقتاً شاه‌کار است؛ بلکه خود در تمام موضوعات به استادی رسیده بود و درس خارج فقه آیت‌الله سید محمد‌هادی میلانی، شرکت می‌کرد که در آن زمان، ایشان جوان‌ترین فردی بوده که درس خارج شرکت داشته است و این می‌رساند ایشان هیچگاه برای مطالعه رمان و شعر و کتب ادبی دیگر، در قبال وظایف و تکالیف اصلی‌اش نه تنها اهمال و کوتاهی نکرده‌اند که با سرعت و جدیت تمام، تلاش کرده است و بیشتری از اوقاتش را مصروف خواندن علوم حوزوی بوده و در این میان، به نظر می‌رسد زمان‌هایی را که قصد استراحت و تفریح داشته‌اند، بی‌کار نه نشسته و با برنامه‌ریزی دقیق کتاب‌های رمان و شعر و ادبیات، مطالعه کرده است.

### اهمیت هنر داستان نویسی

امام خامنه‌ای در اهمیت هنر داستان نویسی می‌گویند: "هیچ بیانی نمی‌تواند تاریخ را مثل داستان و قصه بیان کند، وقتی در باره تاریخ با زبان غیر هنری حرف می‌زنیم، مثل این است که از فاصله ده هزار پایی زمین، از شهری عکس بر می‌داریم؛ طبعاً ابعاد شهر و خیابان‌های اصلی شهر هم پیدا است؛ اما در آنجا آدم‌ها چکار می‌کنند؟ خوبند؟ بدند؟ فقیرند؟ غنی‌اند؟ راحت‌اند؟ خوابند؟ دعوا می‌کنند؟ می‌رقصند؟ اصلاً هیچ چیزی معلوم نیست. تاریخ از آن بالا، از ده هزار پایی، شهری را عکس برداری می‌کند و به ما نشان می‌دهد. یک وقت هست شما وارد شهر می‌شوید؛ البته همه کوچه‌های شهر را نمی‌توانید ببینید؛ اما دو سه کوچه شهر یا خیابان شهر را می‌روید، با افرادش حرف می‌زنید و از خانه عکس بر می‌دارید، از اتاقها، از اسباب‌بازی بچه‌ها، از بوسیدن یک فرزند توسط مادرش، همه اینها را ترسیم می‌کند و در یک عکس جلو ما می‌گذارید؛ البته یک کوچه است، خیابان است، همه شهر

نیست؛ اما می‌شود آن را تعمیم داد، این زبان هنر از تاریخ است؛ قصه این است.<sup>۱</sup>

با فروکش علاقه ایشان نسبت به رمان، در خواندن شعر و دیگر کتاب‌های ادبی مبادرت می‌ورزند؛ شاید به جهت جدی‌تر شدن درس‌های فقه و اصول بوده باشد و مطالعه رمان وقت بیشتری می‌گرفته یا اینکه معظم له، آنچه را که از رمان به نظرش خواندنی می‌رسید تا آن زمان خوانده بوده‌اند و اضافه بر آن را تزییع وقت می‌دانسته. چیزی که خود در این مورد فرموده‌اند چنین است: «مطالعه رمان مربوط به اوائل طلبگیم بود. اما تدریجاً این‌گونه مطالعاتم وقتی که به فقه و اصول و این‌ها رسیده بودم کم شد. البته باز هم قطع نشده بود و دیگر به شعر و دواوین شعرا و کتابهایی که در زمینه تاریخ ادبیات بود، کتابهایی که در زمینه سبک شعر بحث می‌کرد، به تدریج نزدیک و آشنا می‌شدم. تا وقتی که قم رفتم.<sup>۲</sup>»

امام خامنه‌ای، پس از ورود به حوزه علمیه قم با اینکه فشردگی و فشار دروس حوزه زیاد بوده اما هرگز از شعر و ادبیات غافل نشده. آقای بهبودی در کتاب شرح اسم، می‌نویسد که ایشان: "دفترچه‌ای داشت که غزل‌های شاخص و تکبیت‌های درخشان را در آن می‌نوشت؛ شبیه این دفترچه را برای نوشتن حدیث هم تهیه کرده بود، پشت جلد کتاب‌های درسی‌اش پر از ابیاتی بود که وقتی از درس و بحث خسته می‌شد، می‌خواند و رفع خستگی می‌کرد. برخی ابیاتی که بسیار دوست می‌داشت، می‌داد خطاطی می‌کردند و آن را از سینه دیوار می‌آویخت تا همواره پیش چشمش باشد، در مدرسه حجتیه قم دو بیت از شعرهای حافظ را زینت حجره‌اش کرده بود:

\*صراحی می‌کشم پنهان و مردم دفتر انگارند

عجب گر آتشی این زرق در دفتر نمی‌گیرد

\*در این بازار اگر سودیست با درویش خرسند است

خدا منعم گردان به درویشی و خرسندی.<sup>۳</sup>

ایشان، در روزهای پنج‌شنبه - جمعه در جلسات ادبیات و شعر شرکت می‌کرده‌اند و خود نیز شعر می‌گفته است. ابتدا تخلص شعری او (نسیم) بوده است و ضاءالدین لقبی بود که برای خود گزیده بوده

<sup>۱</sup> بهبودی، هدایت الله، شرح اسم، زندگی‌نامه آیت الله سید علی حسینی، خامنه‌ای، تهران، مؤسسه پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰.

<sup>۲</sup> مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران. خاطرات سیاسی آیت الله خامنه‌ای.

<sup>۳</sup> شرح اسم، ص ۷۲.

است،<sup>۱</sup> البته از بعضی اشعار منتسب به ایشان بر می آید که بعدها تخلص امین را در اشعارش برای خود خود برگزیده‌اند.

از اولین سروده‌های ایشان است که ظاهراً در سالهای ۱۳۳۴ ش یا ۱۳۳۵ ش سروده‌اند:

دلم قرار نمی‌گیرد از فغان بی تو سپندوار ز کف داده‌ام عنان بی تو<sup>۲</sup>

نکته: حقیقتاً نمی‌دانم چه حکمتی است خیلی از شاعران طراز اول دوست نداشته‌اند که اشعارشان در زمان حیات آنان انتشار یابد؛ مانند حافظ که بعد از وفاتش دوست وی محمد گل اندام، اشعار حافظ را تحت عنوان حافظ‌نامه منتشر کرد و با دیوان امام خمینی (ره) بعد از رحلت ایشان آشنا شدیم و یکی از کسانی که اشعارش را انتشار نداده‌اند امام خامنه‌ای است با اینکه خیلی از دوستان معظم له می‌دانند که ایشان شعر می‌سراید اما هرگز در اختیار عموم قرار نگرفته و هنوز در پرده‌ی راز باقی است مگر به صورت بسیار اندک و نادر.

به قول حافظ: مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز...

بعضی از اشعار معظم له که از پرده برون افتاده بسیار نغز و خواندنی است؛ هرچند از عدد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند؛ البته این موارد را بعضی از سایت‌های معتبر در فضای مجازی انتشار داده‌اند. یکی از آن، غزلی است که بنام (یاران خراسانی) معروف گشته است:

سرخوش ز سبوی غم پنهانی خویشم      چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشم  
در بزم وصال تو نگویم ز کم و بیش      چون آینه خو کرده به حیرانی خویشم  
لب باز نکردم به خروشی و فغانی      من محرم راز دل طوفانی خویشم  
یک چند پشیمان شدم از رندی و مستی      عمریست پشیمان ز پشیمانی خویشم  
از شوق شکر خنده لبش جان نسپر دم      شرمنده‌ی جانان ز گران جانی خویشم  
بشکسته تر از خویش ندیدم به همه عمر      افسرده دل از خویشم و زندانی خویشم  
هر چند امین بسته‌ی دنیا نیم اما      دل بسته‌ی یاران خراسانی خویشم<sup>۳</sup>  
غزل دیگر که در آن به وقت ظهور امام زمان (عج) اشاره شده است:

<sup>۱</sup> شرح اسم، ص ۷۱.

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup> <https://www.tebyan.net>

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است  
جان را هوای از قفس تن پریدن است  
از بیم مرگ نیست که سر داده‌ام فغان  
بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است  
دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکنم  
باری علاج شکر گریبان دریدن است  
شامم سیه‌تر است ز گیسوی سرکشت  
خورشید من بر آبی که وقت دمیدن است  
سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی  
مرغ ننگه در آرزوی پر کشیدن است  
بگرفت آب و رنگ ز فیض حضور تو  
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است  
با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم  
تقدیر قصه دل من ناشنیدن است  
آن را که لب به جام هوس گشت آشنا  
روزی "امین" سزا لب حسرت گردیدن است<sup>۱</sup>  
شعر دیگری که از چشمه اسرار امام خامنه‌ای برون تراویده و در فضای مجازی تحت عنوان  
مناجات ناشنویان انتشار یافته، چنین است:

ما خیل بندگانیم ما را تو می‌شناسی  
هر چند بی‌زبانیم، ما را تو می‌شناسی  
ویرانه‌ایم و در دل گنجی ز راز داریم  
با آنکه بی‌نشانیم، ما را تو می‌شناسی  
با هر کسی نگوئیم راز خموشی خویش  
بیگانه باکسانیم ما را تو می‌شناسی  
آینه‌ایم و هر چند لب بسته‌ایم از خلق  
بس رازها که دانیم ما را تو می‌شناسی  
از قیل و قال بستند، گوش و زبان ما را  
فارغ از این و آنیم ما را تو می‌شناسی  
از ظن خویش هرکس از ما فسانه‌ها گفت  
چون نای بی‌زبانیم ما را تو می‌شناسی  
در ما صفای طفلی، نفسرد از هیاهو  
گلزار بی‌خزانیم ما را تو می‌شناسی  
آینه‌سان برابر گوئیم هر چه گوئیم  
یک رو و یک زبانیم ما را تو می‌شناسی  
خط ننگه نویسد حال درون ما را  
در چشم خود نهانیم ما را تو می‌شناسی  
لب بسته چون حکیمان، سرخوش چو کودکانیم  
هم پیر و هم جوانیم ما را تو می‌شناسی  
با دُرد و صاف گیتی، گه سرخوش است گه غم  
ما دُرد غم کشانیم ما را تو می‌شناسی

از وادی خموشی راهی به نیک‌روزی است      ما روز به، از آنیم ما را تو می‌شناسی  
کس راز غیر، از ما نشنید بس «امینیم»      بهر کسان امانیم ما را تو می‌شناسی<sup>۱</sup>

شعری دیگری که از معظم له انتشار یافته و در دسترس عموم قرار گرفت، غزلی در مورد شلمچه<sup>۲</sup>  
است و تحت عنوان همین نام (شلمچه)

ز آه سینه‌ای سوزان ترانه می‌سازم      چونی ز مایه جان این فسانه می‌سازم  
به غمگساری یاران چو شمع می‌سوزم      برای اشک دمام بهانه می‌سازم  
پر نسیم به خوناب اشک می‌شویم      پیامی از دل خونین روانه می‌سازم  
نمی‌کنم دل از این عرصه شقایق فام      کنار لاله رخان آشیانه می‌سازم  
در آستان به خون خفتگان وادی عشق      برون ز عالم اسباب، خانه می‌سازم  
چو شمع بر سر هر کشته می‌گذارم جان      ز یک شراره هزاران زبانه می‌سازم  
ز پاره‌های دل من، شلمچه رنگین است      سخن چو بلبل از آن عاشقانه می‌سازم  
سر و دل و جان را به خاک می‌فکنم      برای قبر تو چندین نشانه می‌سازم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> گرفته شده از سایت: <https://www.tebyan.net>

<sup>۲</sup> شلمچه شهری است از توابع خوزستان که در مرز ایران با کشور عراق قرار دارد که در دوران تجاوز صدام به جمهوری اسلامی ایران این شهر به دست دشمن افتاد از بدو اشغال تا آزادی، تعداد زیادی از سربازان ایرانی به شهادت رسیدند. نزدیک‌ترین شهر عراق به شلمچه بصره است که بیشتر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهد.  
<sup>۳</sup> همان.

## کتاب نامه

- ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال** ترجمه جعفری - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ش.  
بهبودی، هدایت الله، **شرح اسم**، زندگی نامه آیت الله سید علی حسینی، خامنه‌ای، تهران، مؤسسه پژوهشهای سیاسی. ۱۳۹۰.  
حافظ، دیوان غزلیاتسخنرانی به مناسبت شب شعر، در جمع شاعران، چهاردهم رمضان ۱۴۲۹. برابر با ۱۴ شهریور ۱۳۸۸.  
عبدالحسین زرین کوب، نقد ادبی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۱.  
**فرهنگ فارسی عمید**.  
کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی** (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹.  
**گفت و شنود امام خامنه‌ای با نو جوانان**، ۱۴/۱۱/۱۳۷۶ ش.  
مطهری، مرتضی، **طهارت روح**، ص ۳۷.  
ملا هادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹ هـ ق) **دیوان اشعار**، غزلیات.  
مومنی شریف، محسن، مقاله، منبع اصلی: ( جزوه " مطالعه و کتابخوانی از نگاه مقام معظم رهبری"، حوزه هنری.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، **خواطرات سیاسی آیت الله خامنه‌ای**.

<https://www.tebyan.net>

<http://kayhan.ir>